

حوزه‌های علمی شیعه و قانون‌گذاری مبتنی بر فقه؛ از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی

ابراهیم شفیعی سروستانی

(استادیار و مدیر گروه فقه و حقوق دانشگاه قرآن و حدیث)

shafie.e@qhu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

چکیده

حوزه‌های علمی شیعه همواره کوشیده‌اند تا فقه اسلامی در طول تاریخ، کمال و بالندگی خود را حفظ کند و بتواند نیازهای هر عصر را پاسخ گوید. تقنین فقه و ارائه آن به صورت مجموعه‌های مدون، نمونه‌ای از آنهاست. اگرچه با پیروزی انقلاب مشروطه، گام‌های ارزشمندی در ایجاد نظام قانون‌گذاری بر اساس فقه شیعه برداشته شد، در عمل با خیانت روشن‌فکران وابسته، این اقدام عظیم ماند و در نهایت، جز در مواردی خاص، قوانین عرفی مقتبس از نظام‌های حقوقی غربی بر این کشور حاکم شد. با تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، اقدام گسترده‌ای برای قانون‌گذاری مبتنی بر فقه شیعه در اداره جامعه و حکومت تدوین شد. با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت تبیین چالش‌های فقه شیعه در چهار دهه گذشته، این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، موضوع قانون‌گذاری مبتنی بر فقه از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی را بررسی نموده و به‌ویژه با تمرکز بر دوران انقلاب اسلامی، سیر تحوّل و تطوّر اندیشه قانون‌گذاری بر اساس احکام اسلام، از زمان طرح نظریه ولایت فقیه از سوی حضرت امام خمینی علیه السلام تا تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران را در دوازده مرحله واکاوی کرده است.

کلیدواژه‌ها: تقنین فقه، قانون‌گذاری مبتنی بر فقه، حوزه‌های علمی شیعه، انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی.

«این مقاله با حمایت دبیرخانه دائمی کنگره یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم، دستاوردها و نکوداشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی علیه السلام تألیف شده است.»

مقدمه

فقه اسلامی - که عهده‌دار بیان تکالیف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی اهل ایمان بود - از ابتدای پیدایش، نیازهای مختلف جامعه اسلامی را پاسخ می‌گفت و تا حدود نیمه اول قرن چهاردهم هجری - که حکومت عثمانی (۹۲۳ - ۱۳۴۳ ق) از هم‌پاشیده شد - در اداره امور شهرها و تنظیم امور قضایی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت.

نگاهی اجمالی به کتاب‌هایی که با عنوان احکام السلطانية (ر.ک: ابویعلی، ۱۴۰۶ ق؛ الماوردی، بی‌تا)، احکام الحسبة (ر.ک: القرشی، ۱۹۷۶ م؛ الشیزری، ۱۹۷۶ م) و... نگاشته شده‌اند و همچنین مروری گذرا به کتاب‌هایی که به بررسی تاریخ قضا در اسلام پرداخته‌اند (ر.ک: الزحیلی، ۱۴۱۵ ق؛ احمد، ۱۴۱۴ ق؛ الأنباری، ۱۳۹۷ ق؛ شبارو، بی‌تا؛ النباهی المالقی، ۱۴۰۰ ق؛ ساکت، ۱۳۶۵)، این حقیقت را به روشنی آشکار می‌سازند.

در طول سالیان دراز، فقه مالکی در غرب جهان اسلام و فقه حنفی و شافعی در شرق آن، عهده‌دار پاسخ به نیازهای روز جامعه اسلامی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و قضایی بودند و فقهای شیعه نیز با وجود دور بودن از صحنه سیاست و حکومت، با اجتهاد مستمر، همپای تحولات مختلف جامعه اسلامی پیش می‌آمدند و نیازهای متعدد شیعیانی را که ناچار به زندگی در قلمرو حکومت خلفای جور بودند، پاسخ می‌گفتند.

با تحولاتی که پس از جنگ جهانی اول در جغرافیای سیاسی جهان پیش آمد، رفته‌رفته دولت‌های اسلامی رو به ضعف گذاشتند و از اقتدار سیاسی آنها کاسته شد. با کاهش اقتدار سیاسی و به تبع آن، اقتدار فرهنگی دولت‌های اسلامی، زمینه هجوم فرهنگی به این دولت‌ها فراهم شد و سرزمین‌های اسلامی، آماج آداب و رسوم و قوانین و مقررات وارداتی قرار گرفتند و در این میان، فقه اسلامی متهم به ناتوانی برای اداره جامعه شد و اقتدار پیشین خود را از دست داد.

نخستین قدم‌ها برای جایگزین ساختن قوانین عرفی به جای قوانین شرعی و فقه اسلامی، از همین زمان آغاز می‌شود و برای اولین بار در یک کشور اسلامی، قانونی مقتبس از حقوق خارجی به اجرا در می‌آید. از سال ۱۲۵۶ ق که قانون جزای عثمانی با اقتباس از حقوق جزای کشور فرانسه تدوین شد، تا سال ۱۳۳۱ ق، بیش از ده متن قانونی با استفاده از حقوق کشورهای غربی در این کشور تدوین و اجرا شد و این روند تا فروپاشی دولت عثمانی با شدت تمام ادامه یافت.

برخورد فقه با قوانین مدون غربی، متفکران اسلامی را به این اندیشه واداشت که اگر بخواهند فقه را چون گذشته بر تمام مناسبات اجتماعی حاکم کنند، لازم است که آن را در قالب مواد قانونی ارائه دهند و به عبارت دیگر به «تقنین فقه» بپردازند. در سال ۱۲۸۶ ق، جمعی از فقهای حنفی مذهب عثمانی، تلاشی را در این زمینه آغاز کردند که هفت سال بعد به تدوین مجموعه‌ای با عنوان مجلة الأحكام العدلیة مشتمل بر ۱۸۵۱ ماده در ابواب مختلف معاملات و احوال شخصیه انجامید. بعد از آن هم مجموعه‌های دیگری چون مرشد الحیران لمعرفة احوال الإنسان در ۱۰۴۵ ماده تدوین شد؛ اما ضعف سیاسی حاکم بر دولت عثمانی، اجازه نداد که فقه در قالب جدید خود بتواند نقش مؤثری در اداره امور جامعه بازی کند و رفته‌رفته قوانین غربی بر شئون مختلف بزرگ‌ترین کشور اسلامی حاکم شد.

با تجزیه و فروپاشی دولت عثمانی در سال ۱۳۴۳ ق، اندیشه قانون‌گذاری و اداره حکومت بر اساس احکام و مقررات شرعی در میان اهل سنت به بوته فراموشی سپرده شد. از سوی دیگر، حرکتی هم که با پیروزی انقلاب مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ق، در ایران آغاز شده بود و امید آن می‌رفت که با وجود اصل دوم متمم قانون اساسی (اصل طراز)، به ایجاد یک نظام قانون‌گذاری بر اساس آموزه‌های فقه شیعه منتهی شود، در عمل با خیانت روشن‌فکران وابسته، عقیم ماند و در نهایت، جز در مواردی خاص، قوانین عرفی مقتبس از نظام‌های حقوقی غربی بر این کشور حاکم شد.

تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران، بار دیگر فرصتی را پیش آورد که فقه اسلامی بتواند نقش گذشته خود را در اداره جامعه و حکومت باز یابد. تشکیل نظام مبتنی بر ولایت فقیه و تأکید اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی بر این مطلب که «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد»، حوزه‌های فقه شیعه را درگیر مسائل پیچیده سیاسی و حکومتی کرد و آنها را واداشت که برای اداره این حکومت تازه‌تأسیس، چاره‌اندیشی کنند.

با توجه به آنچه گفته شد، در این مقاله به بازخوانی تجربه قانون‌گذاری مبتنی بر فقه در دو مقطع مهم از تاریخ کشورمان، یعنی دوران مشروطه و دوران انقلاب اسلامی می‌پردازیم تا بیش از پیش به جایگاه و نقشی که حوزه‌های علمیه شیعه و به‌ویژه حوزه علمیه قم در این زمینه داشتند، واقف شویم.

۱. قانون گذاری در دوران مشروطه

انقلاب مشروطیت را باید سرآغاز قانون گذاری به شیوه جدید در ایران به شمار آورد. اگرچه در زمان ناصرالدین شاه قاجار نیز اقداماتی برای تدوین مجموعه قوانین به روش جدید آغاز شد و شورای دولتی در سال ۱۲۶۸ ش. بر اساس فرمان شاه، کار ترجمه «کد ناپلئون» را آغاز کرد، اما این اقدامات به نتیجه ای نرسید (ر.ک: پاشا صالح، ۱۳۴۸: ۲۲۷ - ۲۲۸).

در پی صدور فرمان مشروطیت در سیزدهم مرداد ۱۲۸۵، نخستین مجلس شورای ملی در چهاردهم مهر همان سال تشکیل و کار تدوین قانون اساسی ایران آغاز شد. با گذشت سه ماه از تشکیل مجلس، قانون اساسی در ۵۱ اصل به تصویب نمایندگان مردم رسید (ر.ک: بی نام، ۱۳۴۶: ۱ - ۴ / مقدمه).

قانون اساسی مشروطیت به دلیل شتابی که در تدوین آن صورت گرفته بود، فاقد بسیاری اصول مهم و اساسی بود؛ از این رو پس از گذشت کمتر از یک سال، متمم قانون اساسی با ۱۰۷ اصل، تدوین و به امضای محمدعلی شاه قاجار رسید (ر.ک: همان: ۴ - ۵).

در اصل اول متمم قانون اساسی تصریح شده بود که: «مذهب رسمی ایران، اسلام و طریقه حقه جعفریه اثناعشریه است. باید پادشاه ایران، دارا و مروج این مذهب باشد» و در اصل دوم نیز بر این نکته تأکید شده بود که هیچ یک از مصوبات مجلس شورای ملی نباید با احکام شرع مخالفت داشته باشد. به موجب این اصل، تشخیص مخالفت قوانین با احکام شرع به هیئتی مرکب از دست کم پنج نفر از مجتهدان و فقهای آگاه از مقتضیات زمان سپرده شده بود.

اگرچه این اصل که بعدها به «اصل طراز» (طراز اول علما) معروف شد، جز در مجلس دوم، در ادوار بعد اجرا نشد و در مجلس اول هم به اعتبار حضور عده ای از علما و مجتهدان در میان نمایندگان مجلس، محقق شد، خود بیانگر این حقیقت است که تدوین کنندگان قانون اساسی نسبت به حاکمیت قوانین اسلامی بر کشور عنایت داشتند و از این که جریان قانون گذاری در مجلس شورای ملی به سمت تدوین قوانین خلاف شرع کشیده شود، در هراس بودند.

بررسی های تاریخی نیز نشان می دهد که اصل دوم متمم قانون اساسی، مانع بزرگی در پیش روی کسانی بود که تلاش می کردند قوانین عرفی را جایگزین احکام شرع کنند.

احمد متین دفتری - که در زمان پهلوی مدت ها سمت وزارت دادگستری و نمایندگی مجلس

سنا را بر عهده داشت -، در سخنرانی‌ای که در دی‌ماه ۱۳۳۳ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی ایراد می‌کند، پس از آن که دوران معاصر حقوق ایران را به سه مرحله (از صدر مشروطیت تا انحلال عدلیه، از تأسیس عدلیه جدید تا اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و از اشغال تا امروز) تقسیم می‌کند، در مورد مرحله اول می‌گوید: «مرحله اول با سه اشکال مواجه بود: اولاً نفوذ و قدرت علما و اعیان و اشراف...؛ ثانیاً اصل دوم متمم قانون اساسی راجع به عدم مخالفت قوانین موضوعه با قواعد مقدسه اسلام و مرجعیت حکام شرع که حاضر نبودند به نفع محاکم عمومی، یعنی عرفی کنار بروند...؛ ثالثاً وجود رژیم کاپیتولاسیون و محاکم کنسولی در ایران...» (پاشا صالح، ۱۳۴۸: ۲۳۴. همچنین ر.ک: متین‌دفتری ۱۳۳۷: ۲۳).

درهرحال، با وجود تشکیل مجلس شورای ملی، به دلیل اختلاف عقیده‌ای که میان علمای دین و متجددان صدر مشروطیت در زمینه قانون‌گذاری وجود داشت، در نخستین دوره مجلس، حرکت جدی و اساسی در این باره صورت نگرفت.^۱

با آغاز روند قانون‌گذاری در کشور، قوانین مختلفی تدوین و تصویب شد که عمدتاً برگرفته از قوانین بیگانه بودند، از جمله می‌توان به قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه (۱۳۲۹ ق / ۱۲۹۰ ش)، قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی (۱۳۲۹ ق / ۱۲۹۰ ش)، قانون اصول محاکمات جزایی (۱۳۳۰ ق / ۱۲۹۰ ش)، قانون جزای عرفی (۱۳۳۵ ق / ۱۲۹۵ ش)، قانون تجارت (۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ ق / ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ ش) و قانون مجازات عمومی (۱۳۴۴ ق / ۱۳۰۴ ش) اشاره کرد.

ویژگی مهم قانون‌گذاری در این مقطع از تاریخ مجلس شورای ملی، فاصله‌گرفتن از احکام و مقررات شرعی، رفتن به سوی قوانین عرفی اقتباس شده از حقوق بیگانه و متروک ماندن اصل دوم متمم قانون اساسی بود.

قانون‌گذاران صدر مشروطیت به تدریج و با زیرکی تمام، قوانین و مقررات غربی را جایگزین احکام شرع کردند و ظاهر قضیه را هم به‌گونه‌ای شکل دادند که مخالفت صریحی با اصل دوم متمم قانون اساسی پیش نیاید (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۰۴ - ۲۰۵؛ پاشا صالح، ۱۳۴۸: ۲۳۸؛ متین‌دفتری، ۱۳۳۷: ۲۴).

۱. محمدعلی فروغی که در سال ۱۳۳۰ ق، به عنوان وزیر عدلیه منصوب شد، درباره این اختلاف نظر نکات قابل توجهی می‌گوید (ر.ک: پاشا صالح، ۱۳۴۸: ۲۳۱ - ۲۳۲).

با وجود تلاشی که در نخستین دهه پیروزی انقلاب مشروطیت برای تدوین قوانین مختلف شکلی و ماهوی صورت گرفت، توفیق چندانی در تدوین قانون مدنی به دست نیامد؛ تا این که در سال ۱۲۹۸ نخستین قدم‌ها در این زمینه برداشته شد. در کتاب ترمینولوژی حقوق درباره آغاز تدوین قانون مدنی چنین آمده است: «شروع به تدوین مجموعه قوانین مدنی در حدود ششم میزان ۱۲۹۸ ش شد و مقداری از آن تا سال ۱۳۰۴ فراهم گردید. قسمتی از مواد این قانون به توسط سید محمد فاطمی شاگرد میرزا محمد حسین آشتیانی تهیه شده است. او در دفتر خاطراتش نوشته است: "به ترتیب قانون مدنی فرانسه و قوانین مدنی مصر و عثمانی مواد قانون مدنی را تهیه کردم". قسمتی که او تهیه کرده، قدر متیقن، قسمت اموال و نکاح و طلاق است که در خاطرات روزانه خود تصریح کرده است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۵۲۱).

نویسنده کتاب سرگذشت قانون درباره مأخذ نگارش قانون مدنی ایران می‌نویسد: «مأخذ قانون مدنی به شکل مذکور (صرف نظر از ملحوظ نمودن قسمتی از حقوق اروپایی)، بیشتر فقه اسلام است و دانشمندانی که عهده‌دار این امور بودند، از منابع مهم عربی مانند شرح لمعه شهیدین و شرایع محقق و مکاسب شیخ مرتضی انصاری، استفاده نمودند و اقوال مشهور فقها را به زبان فارسی درآوردند و مبوب ساختند. از نویسندگان قانون مدنی، آنها که به زبان فرانسه آشنایی داشتند، برای موضوعات تازه حقوق، به قوانین مدنی فرانسه و بلژیک و مخصوصاً سوئیس مراجعه می‌نموده‌اند» (پاشا صالح، ۱۳۴۸: ۲۶۹ - ۲۷۰).

قانون مدنی ایران تحت نظارت فقها و صاحب نظران در سه دوره قانون‌گذاری مجلس به ترتیب زیر تدوین و تصویب شد: مواد ۱ - ۹۵۵، سال ۱۳۰۷، دوره ششم مجلس شورای ملی؛ مواد ۹۵۶ - ۱۲۰۶، سال ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴، دوره نهم مجلس شورای ملی؛ مواد ۱۲۰۷ - ۱۳۳۵، سال ۱۳۱۴، دوره دهم مجلس شورای ملی.

قانون مدنی، نخستین تجربه تقنین فقه در حوزه فقهت شیعی به شمار می‌آید. دست‌اندرکاران تدوین قانون مدنی با احاطه کامل به فقه شیعه و در نظر داشتن شرایط و مقتضیات زمان، تلاش کردند که احکام فقه شیعه در زمینه اموال، عقود، معاملات، وصیت، ارث، نکاح، طلاق، نسب و ادله اثبات دعوا را به صورت مواد قانونی قابل استناد در دادگاه‌ها درآوردند. امروزه با گذشت بیش از هفتاد سال از تدوین نخستین مواد این قانون، به جرئت می‌توان گفت که هنوز قانون مدنی، قانونی کارآمد، پویا و توانمند است و جز در موارد اندکی، نیازی به اصلاح و بازنگری در آن دیده نمی‌شود.

در مقایسه با مجله الأحكام العدلیة، قانون مدنی ایران کامل تر است و نواقصی که در آن یافت می‌شود، در قانون مدنی وجود ندارد که این خود ناشی از غنا و توانمندی فقه شیعه در مقایسه با فقه حنفی است.

۲. قانون گذاری در دوران انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، آغازگر گفتمان جدیدی در عرصه حیات فردی و اجتماعی انسان معاصر بود و در عصر حاکمیت نظام‌های حکومتی سکولار، موضوع اداره جامعه و حکومت و قانون گذاری بر اساس تعالیم اسلام را مطرح ساخت.

این گفتمان جدید - که سرآغاز تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران شد -، امروز در همه جهان شناخته شده و بسیاری از مسلمانان مبارز و اصول‌گرا را در کشورهای اسلامی خاورمیانه، شمال افریقا، آسیای میانه و... تحت تأثیر خود قرار داده است.

آنچه در این میان حائز اهمیت است، این است که گفتمان یادشده، از آغاز پیدایش تا به امروز - که بیش از چهار دهه از به ثمر نشستن آن می‌گذرد -، فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته و در مواجهه با موانع و مشکلات گوناگونی که پیش روی آن بوده، تغییر و تحولات فراوانی کرده است، تا بدان جا که می‌توان گفت نظریه ولایت فقیه یا نظریه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت که در سال ۱۳۴۸ از سوی حضرت امام خمینی علیه السلام مطرح شد، امروز تکامل یافته و بسیاری از ابعاد ناشناخته آن روشن شده است؛ اگرچه هنوز هم ابهام‌ها و پرسش‌های مختلفی در مورد این نظریه مطرح است و مسائل و مشکلات گوناگونی در زمینه قانون گذاری و اداره جامعه بر اساس موازین اسلامی وجود دارد.

در این قسمت از مقاله نگاهی خواهیم داشت به سیر تحوّل و تطوّر اندیشه قانون گذاری بر اساس احکام اسلام، از زمان طرح نظریه ولایت فقیه از سوی حضرت امام تا تدوین چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران.

۲ - ۱. طرح نظریه ولایت فقیه و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

حضرت امام خمینی، سال‌ها پیش از اوج‌گیری نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی، در زمانی که به نجف اشرف تبعید شده بودند، با طرح نظریه ولایت فقیه و لزوم تشکیل حکومت

اسلامی در دوران غیبت، پایه‌گذار گفتمانی جدید در عرصه قانون‌گذاری و اداره جامعه در عصر جدید شدند.

ایشان نخستین بار در بهمن ۱۳۴۸ (برابر با ذی‌قعدة و ذی‌حجه ۱۳۸۹) در جلسات درس خارج بیع به طرح این نظریه پرداختند^۱ و بعدها به هنگام تحریر کتاب البیع (جمادی‌الاولی ۱۳۹۶) آن را تبیین و تکمیل کردند (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲/ ۶۱۷ - ۷۲۷). اساس نظریه یادشده بر اثبات جامعیت احکام اسلامی و توانایی آن برای اداره جامعه و پاسخگویی به نیازهای مختلف انسان (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴ - ۵) و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای احکام و قوانین اسلامی بود (همان: ۱۵).

نظریه ولایت فقیه - که ابتدا به‌عنوان یک نظریه علمی و در درس‌های خارج مطرح شد -، به فاصله نه سال پس از طرح، مبنای نظری انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران قرار گرفت و به بنیادی برای قانون‌گذاری بر اساس موازین اسلامی تبدیل شد.

۲ - ۲. تشکیل شورای انقلاب

با اوج‌گیری حرکت انقلاب اسلامی در ایران و شدت گرفتن مبارزات مردمی علیه حکومت شاهنشاهی، موضوع تشکیل «جمهوری اسلامی» و پیاده شدن احکام اسلام در صدر خواسته‌ها و مطالبات مردم و رهبران انقلاب قرار گرفت و به محوری‌ترین شعار تظاهرات میلیونی مردم در سرتاسر ایران تبدیل شد.

اوج این خواسته‌ها را می‌توان در پیامی که امام خمینی رحمته‌الله علیه در آستانه ماه محرم ۱۳۹۹ / اول آذر ۱۳۵۷ خطاب به ملت ایران صادر کردند، مشاهده نمود: «همه‌و همه هم‌صدا و پشت بر پشت هم به‌سوی هدف مقدس اسلام یعنی برچیده شدن سلسله ستمگر پهلوی و هدم نظام منحط شاهنشاهی و برقراری جمهوری اسلامی مبتنی بر احکام مترقی اسلام، به‌پیش که پیروزی از آن

۱. مباحث این جلسات، در همان ایام به‌صورت مختلف، گاهی کامل و گاه به‌صورت یک یا چند درس، تکثیر و منتشر شد. در پاییز ۱۳۴۹ پس از ویرایش و تأیید حضرت امام برای چاپ آماده و نخست توسط یاران امام در بیروت به چاپ رسید و پنهانی به ایران فرستاده شد و هم‌زمان برای استفاده مسلمانان انقلابی به کشورهای اروپایی، آمریکا، پاکستان و افغانستان ارسال شد. این مباحث، همچنین در سال ۱۳۵۶ در ایران با نام نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء به ضمیمه جهاد اکبر چاپ شد. این کتاب در چاپ‌های بعدی با نام ولایت فقیه (حکومت اسلامی) منتشر شد (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۴: مقدمه ناشر).

ملت به‌پاخاسته است» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵/ ۷۷).

همچنین حضرت امام، در مصاحبه‌هایی که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی داشتند، در پاسخ این پرسش که: «شما پس از سرنگونی شاه چه نوع حکومتی را جایگزین خواهید کرد؟»، همواره بر این نکته تأکید می‌کردند که حکومت موردنظر ایشان «جمهوری اسلامی» است که مجری «قانون اسلام» است (همان: ۱۷۰/۵ و ۳۴۷ و ۳۹۸).

امام راحل در اوج حاکمیت نظام شاهنشاهی، با تشکیل «شورای انقلاب» عزم جدی خود را برای تحقق خواسته یادشده نشان داد و ملت ایران را بیش‌ازپیش به آرمان تشکیل نظام جمهوری اسلامی و اجرای قوانین اسلامی امیدوار ساخت (ر.ک: سائلی کرده‌ده، ۱۳۸۴: ۱۷ - ۱۸).

در بخشی از پیامی که ایشان در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۵۷، خطاب به ملت ایران درباره تشکیل شورای انقلاب صادر کردند، آمده بود: «به‌موجب حق شرعی و بر اساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به این‌جانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام شورای انقلاب اسلامی مرکب از افراد باصلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵/ ۴۲۶ - ۴۲۸).

اگرچه شورای انقلاب به‌موجب اساسنامه خود وظایف و مسئولیت‌های متعددی را پذیرا شده بود، یکی از مهم‌ترین وظایف آن، تقنین و قانون‌گذاری بود؛ زیرا ایجاد تحولات و تغییرات بنیادین در جامعه بدون وضع قانون، موجب هرج‌ومرج و غلبه احساسات و عواطف تند بر عقل و منطق و عدالت می‌شد که بسیار خطرناک بود (ر.ک: سائلی کرده‌ده، ۱۳۸۴: ۹۶ - ۹۷).

شورای یادشده - به‌عنوان تنها نهاد تقنینی سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی - در مدت نزدیک به دو سال فعالیت خود، اقدام‌های متعددی در جهت الغای برخی قوانین و ساختارهای حقوقی و قضایی باقی‌مانده از نظام پیشین که مغایر با احکام اسلامی تشخیص داده می‌شد و همچنین تصویب قوانین و مقرراتی در زمینه موضوعات شکلی و ماهوی، انجام داد (ر.ک: زرننگ، ۱۳۸۱: ۱/ ۲۳۱ - ۲۵۸).

با تأسیس مجلس شورای اسلامی و رسمیت یافتن آن، کارکرد تقنینی شورا حذف شد و با استقرار دولت شهید رجایی و رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی به کابینه او در تاریخ ۱۹

شهریور ۱۳۵۹، کار شورای انقلاب به طور رسمی به پایان رسید (ر.ک: سائلی کرده‌ده، ۱۳۸۴: ۷۴ - ۷۵).

۲ - ۳. استقرار نظام جمهوری اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و سقوط نظام سلطنتی، مهم‌ترین مانع در راه تحقق خواسته ملت ایران در زمینه استقرار جمهوری اسلامی و حاکمیت قوانین اسلامی از میان رفت؛ اما برای تحقق عینی این خواسته، لازم بود که رهبران انقلاب بر اساس سازوکارهای پذیرفته شده در جهان، نظامی حکومتی که دارای مشروعیت و مقبولیت مردمی باشد، بنیان گذارند. از این رو حضرت امام در همان اوایل پیروزی انقلاب، موضوع برگزاری فراندوم برای تشکیل نظام جمهوری اسلامی را مطرح کردند.

در این میان، عده‌ای از غرب‌زدگان، زمزمه تشکیل جمهوری دمکراتیک یا جمهوری دمکراتیک اسلامی را سر دادند و در صدد ایجاد تفرقه در صفوف مستحکم مردم برآمدند؛ اما این بار نیز امام خمینی با درایت و هوشمندی تمام، این توطئه را خنثی کردند و با قاطعیت تمام اعلام فرمودند که خواسته مردم، تشکیل جمهوری اسلامی است؛ «نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم» (ر.ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶ / ۲۶۵).

سرانجام همه‌پرسی جمهوری اسلامی، در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ برگزار شد و ۹۸/۲ درصد مردم ایران به تشکیل نظام جمهوری اسلامی رأی «آری» دادند.

برپایی این فراندوم و اعلام رسمی نظام جمهوری اسلامی در ایران، چنان نقش مهم و سرنوشت‌سازی در تحقق آرزوهای دیرین مردم و رهبر انقلاب اسلامی داشت که حضرت امام در اعلامیه‌ای، روز ۱۲ فروردین (روز اعلام نتایج همه‌پرسی جمهوری اسلامی) را «از بزرگ‌ترین اعیاد مذهبی و ملی» برشمردند (ر.ک: همان: ۶ / ۴۵۳ - ۴۵۴).

۲ - ۴. تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی

دومین قدم در راه اجرای احکام اسلامی در ایران، تشکیل «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» یا «مجلس خبرگان قانون اساسی» در ۲۸ مرداد همان سال و در پی آن، تصویب «قانون اساسی جمهوری اسلامی» بود.

حضرت امام علیه السلام در پیامی به مناسبت افتتاح این مجلس، نکاتی را که خبرگان ملت باید در

بررسی پیش‌نویس قانون اساسی و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی موردتوجه قرار دهند، یادآور شده و بر این نکته تأکید کردند که: «قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صددرصد بر اساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم بر خلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آرای اکثریت قریب به اتفاق ملت است» (همان: ۳۰۸/۹ - ۳۱۰).

حضرت امام در این پیام با روشن‌بینی و ژرف‌نگری تمام، ضمن تأکید بر لزوم اسلامی بودن قانون اساسی و دیگر قوانین مصوب، همه جوانبی را که خبرگان ملت باید در تصویب قانون اساسی به آن‌ها توجه کنند، یادآور می‌شوند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به تعبیر امام راحل «یکی از ثمرات عظیم، بلکه بزرگ‌تر[ین] ثمره جمهوری اسلامی است» (همان: ۱۱/۱۳۷)، سرانجام در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ با اکثریت دو سوم نمایندگان «مجلس خبرگان قانون اساسی» به تصویب رسید و در همه‌پرسی ۱۲ آذر همان سال با ۹۹/۵ درصد آرا مورد تأیید ملت ایران قرار گرفت.

با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، مهم‌ترین قدم در راه پیاده شدن احکام اسلامی و تحقق خواست مردم برداشته شد و چنان‌که در مقدمه این قانون نیز تصریح شده، چارچوب کلان اداره جامعه «بر اساس اصول و ضوابط اسلامی» ترسیم گردید.

اصول متعددی از قانون اساسی، از جمله اصول چهارم، هفتاد و دوم، نود و یکم، نود و چهارم و نود و ششم این قانون، بر لزوم تدوین کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین و احکام اسلامی و عدم مغایرت آن‌ها با اصول و احکام مذهب رسمی کشور تأکید کرد و با تعیین «شورای نگهبان» ضمانت اجرایی لازم برای تحقق این موضوع را فراهم آورد.

اصل چهارم این قانون، در این زمینه چنین مقرر می‌داشت: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

در اصل هفتاد و دوم این قانون نیز آمده بود: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده، بر عهده شورای نگهبان است».

۲ - ۵. استقرار نهادهای قانونی برخاسته از قانون اساسی

با تصویب و تأیید قانون اساسی و استقرار نهادهای قانونی برخاسته از این قانون، موضوع اسلامی کردن قوانین و ساختارهای قضایی و اجرایی، وارد مرحله تازه‌ای شد. نخستین نهادهایی که پس از تصویب قانون اساسی به تدریج شکل گرفتند، عبارت بودند از:

۲ - ۵ - ۱. شورای نگهبان

نخستین نهاد قانونی که پس از تصویب قانون اساسی تشکیل شد، شورای نگهبان بود. این شورا بر اساس اصل نود و یکم این قانون «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها» به وجود آمد.

براین اساس، حضرت امام در اول اسفند ۱۳۵۸ فقهای شورای نگهبان را منصوب کردند (ر.ک: مهرپور، ۱۳۷۱: ۱/۲۴). حقوق دانان این شورا نیز، به موجب بند دو اصل نود و یکم قانون اساسی، در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۵۹ به وسیله مجلس شورای اسلامی انتخاب شدند.

حضرت امام در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۵۹ در دیدار اعضای شورای نگهبان فرمودند: «شما باید ناظر بر قوانین مجلس باشید و باید بدانید که به هیچ وجه ملاحظه نکنید. باید قوانین را بررسی نمایید که صددرصد اسلامی باشد» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳/۵۳).

۲ - ۵ - ۲. شورای عالی قضایی

به موجب اصل یکصد و پنجاه و هفتم و اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه، شورایی به نام شورای عالی قضایی، مرکب از رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضاة کشور تشکیل گردید که بالاترین مقام قوه قضائیه بود.^۱

به منظور تحقق اصول یادشده، حضرت امام در تاریخ ۴ اسفند ۱۳۵۸، طی احکام مشابهی حضرات آیات سید محمد حسینی بهشتی و سید عبدالکریم موسوی اردبیلی را به سمت رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور برگزید (ر.ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲/۱۶۳ - ۱۶۴).

۱. اصل یکصد و پنجاه و هفتم در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ به شرح زیر تغییر کرد: «به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.»

در پی انتصاب رئیس دیوان عالی و دادستان کل کشور از سوی حضرت امام، به موجب اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی و بر اساس لایحه «قانونی راجع به انتخاب سه نفر از قضات کشور برای عضویت در شورای عالی قضایی» (مصوب اردیبهشت ۱۳۵۹ شورای انقلاب)، شورای عالی قضایی در تاریخ ۲۲ تیر همان سال تشکیل و به عنوان «بالاترین مقام قوه قضائیه» مدیریت این قوه را عهده‌دار شد (ر.ک: زرنگ، ۱۳۸۱: ۲۴۹).

۲ - ۵ - ۳. مجلس شورای اسلامی

به دنبال برگزاری انتخابات نخستین مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۵۸ و اردیبهشت ۱۳۵۹، در ۷ خرداد ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی با پیام امام خمینی افتتاح شد. حضرت امام در این پیام، یازده تذکر مهم به نمایندگان مجلس شورای اسلامی دادند که یکی از آنها در مورد لزوم اسلامی بودن طرح‌های مصوب مجلس بود (ر.ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۳۶۲).

۲ - ۶. صدور دو فرمان از سوی حضرت امام

با فروکش کردن بحران‌های ناشی از تروریسم و اقدامات خرابکارانه گروهک‌ها و طرد منافقان و مخالفان نظام اسلامی از حوزه مدیریت کشور، هماهنگی و ثبات نسبی در مدیریت امور، شکل‌گیری سازمان حکومت مبتنی بر قانون اساسی و به‌طور کلی، سپری شدن بحران‌های خاص دوره انتقال و سامان یافتن نسبی امور، شرایط و فرصت لازم برای شکل‌گیری نظام قضایی منطبق با قانون اساسی و ایدئولوژی انقلاب فراهم شد. به عبارت دیگر، پس از سه سال هرج و مرج و تزلزل در امور قضایی، در سال ۱۳۶۱ دوره‌ای آغاز شد که به تثبیت نظام قضایی اسلامی منجر شد (ر.ک: زرنگ، ۱۳۸۱: ۲۴۵ - ۲۴۷).

آنچه در این میان بیشترین نقش را داشت و موجب تسریع در اسلامی کردن قوانین و مقررات شد، دو فرمان حضرت امام بود که در این سال صادر شد. این فرمان‌ها عبارت بودند از: اول. فرمان انقلاب قضایی: رهبر انقلاب اسلامی در ۳۱ مرداد ۱۳۶۱ در دیدار با «جمع روحانیون کاروان‌های حج، پرسنل دادستانی مرکز، دادرها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی و دادستانی ارتش جمهوری اسلامی» خواهان لغو کلیه قوانین غیراسلامی شدند (ر.ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶ / ۴۲۶ - ۴۲۷).

به دنبال این فرمان امام که به «فرمان انقلاب قضایی» معروف شد، شورای عالی قضایی در بخشنامه‌ای اعلام کرد: «کلیه قوانین گذشته که برخلاف اسلام باشد، ملغی و کأن لم یکن است». فرمان قاطع حضرت امام و بخشنامه شورای عالی قضایی، موانع و مشکلات بر سر راه اسلامی کردن قوانین را برداشت و این روند را بسیار تسریع کرد.

از آن پس، دفتر استفتائات شورای عالی قضایی، پاسخ سؤالات حقوقی و قضایی قضات را می‌داد و در مواردی که حکم قضیه در رساله‌ها روشن نبود، از مراجع استفتا می‌کرد. شورای نگهبان طی بخشنامه‌ای، تعدادی از قوانین را خلاف شرع اعلام کرد و در بخشنامه دیگری عمل به مقررات پیشین را جایز دانست مگر آنچه مخالف صریح رساله امام و تحریرالوسیله باشد. ستاد پیگیری فرمان امام نیز در بهمن ماه ۱۳۶۱ اعلام کرد تا زمانی که شورای نگهبان به صورت رسمی، قانونی را اسلامی ندانسته، باید به قوانین موجود عمل شود.

بدیهی است که ترتیبات مذکور برای رهایی از بن‌بست‌ها در کوتاه‌مدت کارایی داشت؛ ولی نمی‌توانست برای مدتی طولانی پیاده شود؛ پس می‌بایست قوانین مدونی به تصویب می‌رسید تا قضاوت شرعی، قطعیت و روالی قانونی داشته باشد.

رئیس دیوان عالی کشور، سه روز پیش از فرمان امام، از مجلس و شورای نگهبان درخواست کرد که تکلیف قوانین حقوقی و قضایی سریع‌تر روشن شود. رئیس دیوان عالی کشور از ارسال ماده ۲۵۲۳ قانونی به مجلس خبر داد که بنا به اجازه مجلس پس از تصویب کمیسیون قضایی مجلس، موقتاً و به صورت آزمایشی قابل اجرا بود. قوانین ذیل از جمله این قوانین بودند: ۱. قانون تجارت، ۷۴۷ ماده؛ ۲. قانون دفاتر اسناد رسمی، ۷۵ ماده؛ ۳. قانون ثبت اسناد و املاک، ۱۴۴ ماده؛ ۴. قانون مجازات اسلامی، ۴۵ ماده؛ ۵. حدود و مقررات آن، ۱۴۸ ماده؛ ۶. قصاص و مقررات آن، ۸ ماده؛ ۷. دیات و مقررات آن، ۲۵۰ ماده؛ ۸. اصلاح قانون مدنی، ۴۷ ماده؛ ۹. قانون آیین دادرسی کیفری، ۳۱۸ ماده؛ ۱۰. قانون آیین دادرسی مدنی، ۴۴۱ ماده (ر.ک: زرنگ، ۱۳۸۱: ۲۶۶).

بررسی و تصویب قوانین پیشنهادی یادشده در مجلس و سپس نظارت شورای نگهبان به زمان زیادی نیاز داشت. از این رو بعضی از قوانین مزبور پس از تصویب کمیسیون قضایی مجلس به صورت موقت و آزمایشی به اجرا در آمد و برخی دیگر هیچ‌گاه به مرحله بررسی و تصویب نرسید (ر.ک: همان: ۲۹۲).

دوم. فرمان هشت‌ماده‌ای: حضرت امام در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ با صدور فرمان هشت‌ماده‌ای، بار دیگر بر لزوم تسریع در اسلامی کردن قوانین و ساختار قضایی کشور تأکید کردند (ر.ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/۱۳۹).

مهم‌ترین قوانینی که در پی این فرمان در سال ۱۳۶۱ تصویب شد، عبارت بودند از:

۱. قانون حدود و قصاص و مقررات آن (مصوب ۳ شهریور و ۲۰ مهر ۱۳۶۱)؛
۲. قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۶ شهریور ۱۳۶۱)؛
۳. قانون راجع به مجازات اسلامی (مصوب ۲۱ مهر ۱۳۶۱)؛
۴. قانون مجازات اسلامی (دیات) (مصوب ۲۴ آذر ۱۳۶۱)؛
۵. قانون اصلاح موادی از قانون مدنی (مصوب ۸ دی ۱۳۶۱)؛
۶. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) (مصوب ۱۸ مرداد ۱۳۶۲).

۲ - ۷. مطرح شدن موضوع «ضرورت» در فرایند قانون‌گذاری

در دومین سال فعالیت نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، قانونی به تصویب رسید که با مخالفت شورای نگهبان روبه‌رو شد و بحث و گفتگوهای فراوانی را برانگیخت و این گفتگوها در نهایت موجب ورود عامل جدیدی به نام «ضرورت» در فرایند قانون‌گذاری نظام جمهوری اسلامی شد.

این قانون که در ۱۸ مرداد ۱۳۶۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، «طرح قانونی اراضی شهری» نام داشت. از آن‌جا که در مواردی از این طرح، محدودیت‌هایی برای مالکیت اشخاص در نظر گرفته شده بود، فقهای شورای نگهبان به مخالفت با آن پرداختند و آن را خلاف موازین شرعی دانستند (ر.ک: مهرپور، ۱۳۷۱: ۱/۶۹ - ۷۰).

پس از اعلام نظر شورای نگهبان، بحث‌های فراوانی بین فقهای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و صاحب‌نظران و کارشناسان درگرفت و موضوع روی آوردن به «احکام ثانوی» و توجه به مسئله «ضرورت» که از مدتی پیش، زمره‌های آن در جامعه به گوش می‌رسید، به جد مطرح شد و سرانجام رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ طی نامه‌ای خطاب به رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، خواستار راهنمایی و چاره‌جویی شد (همان: ۷۳؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵/۲۹۷).

حضرت امام در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ ذیل نامه رئیس مجلس شورای اسلامی، به مجلس شورای اسلامی اجازه دادند هر زمان که «اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی» تشخیص

دادند، «فعل یا ترک فعلی» که بر مبنای احکام اولیه شرع است، «موجب اختلال نظام» یا «مستلزم فساد» یا «مستلزم حرج» می‌شود، «با تصریح به موقت بودن آن» از احکام اولیه عدول و به احکام ثانویه عمل کنند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵ / ۲۹۷).

در پی رهنمود حضرت امام، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۱۷، طرح قانونی اراضی شهری را با دادن عنوان ضرورت و استفاده از عناوین ثانویه و با اشاره به سخنان حضرت امام در متن آن، برای مدت پنج سال به تصویب رساند. استدلال مجلس این بود که «چون تشخیص ضرورت طبق فرموده حضرت امام با مجلس شورای اسلامی است، اگر چنین ضرورتی تشخیص داده شد و به تصویب رسید، طبعاً موردی برای ایراد خلاف شرع بودن آن از جانب شورای نگهبان باقی نمی‌ماند» (مهرپور، ۱۳۷۱: ۱ / ۷۴).

شورای نگهبان، مصوبه ارسالی از مجلس را که با عنوان تشخیص ضرورت تصویب شده بود، مورد بحث فراوان قرار داد و پس از درخواست مهلت ده روز اضافی، سرانجام در تاریخ ۱۳۶۰/۱۰/۳ اعلام کرد: «انطباق مصوبه... با موازین شرعی به تأیید اکثریت فقها شورای نگهبان نرسید».

در همین زمان، حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه، از مراجع بزرگ تقلید عصر در نامه‌ای که در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۰ خطاب به نمایندگان مجلس نوشتند، واگذاری حق «تشخیص ضرورت در موضوعات احکام ثانویه» به اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی را نادرست دانسته و اعلام کردند که «باید فقیه پس از اظهار نظر کارشناسان یا نمایندگان مجلس، نتیجه نظرات اکثریت و اقلیت [...] را بررسی کند و چنانچه از روی آن نظرات علم یا حجت شرعی به ضرورت پیدا کرد، به علم خود حکم بدهد» (ر.ک: حجاریان، ۱۳۸۰: ۱۲۰ - ۱۲۲).

سرانجام مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۷ «قانون اراضی شهری» را با مختصر اصلاحاتی که در ماده ۱ و تبصره ۵ ماده ۸ و تبصره ۲ ماده ۱۱ به عمل آورد، تصویب کرد و شورای نگهبان طی نامه مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۹ عدم مغایرت مصوبه یادشده را با موازین شرع و قانون اساسی اعلام کرد (مهرپور، ۱۳۷۱: ۱ / ۸۰).

شورای نگهبان، سرانجام طرح اراضی شهری را به استناد نظر حضرت امام تأیید کرد، اما این به معنای پذیرش کامل نظر یادشده از سوی این شورا نبود؛ چراکه این شورا معتقد بود با تفویض اختیار تشخیص ضرورت به مجلس شورای اسلامی، از اختیارات شورای نگهبان کاسته شده است (ر.ک: مهرپور، ۱۳۷۴: ۵۰ - ۵۱).

گفتنی است که حضرت امام، ابتدا استفاده از عنوان ضرورت را به «تشخیص موضوع به‌وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی» مشروط کردند؛ اما در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۴، برای دقت بیشتر در تشخیص موضوع، استفاده از این عنوان را مشروط به رأی مثبت دو سوم نمایندگان مجلس نمودند (ر.ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/۲۵۳).

با وجود تأکید حضرت امام بر دقت و توجه در تشخیص ضرورت و به‌کارگیری احکام ثانوی، «متأسفانه مجلس آن‌گونه که باید، به مسئله ضرورت و اهمیت آن و دقت در تشخیص و تصویب قوانین بر وفق آن نپرداخت و گاه توسل به ضرورت، صرفاً وسیله‌ای بود برای اقناع شورای نگهبان؛ مثلاً مقرراتی به تصویب می‌رسید و اگر شورای نگهبان با آن مخالفت می‌کرد، به‌عنوان ضرورت مطرح می‌شد و در معرض رأی‌گیری قرار می‌گرفت و گاه جهات ضرورت آن که موجب روی آوردن به حکم ثانویه و دست شستن از احکام اولیه باشد، روشن نبود و این مسئله، باعث نگرانی بود، به طوری که دیر وقت شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۴/۴/۴ نامه مفصلی در این خصوص به محضر امام علیه السلام نوشت و نگرانی خود را از این بابت اعلام کرد» (ر.ک: مهرپور، ۱۳۷۴: ۵۲ - ۵۳).

درهرحال، رجوع به رأی دوسوم نمایندگان مجلس برای تشخیص ضرورت و عمل به حکم ثانوی، تا مدتی به‌عنوان یک رویه در نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی پذیرفته شده بود تا این‌که به دلیل مخالفت‌های یاد شده و همچنین به دلیل مشکلاتی که در عمل به وجود آمد، این رویه ترک شد (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۱).

استمرار اختلافات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و مشکلات به وجود آمده در فرایند مراجعه به احکام ثانوی، به تشکیل «مجمع تشخیص مصلحت نظام» برای حل اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان انجامید. تشکیل این مجمع، نظام قانون‌گذاری ما را وارد مرحله جدیدی کرد که از آن به «ورود عنصر مصلحت در نظام قانون‌گذاری» یاد می‌کنیم.

۲ - ۸. ورود عنصر مصلحت در نظام قانون‌گذاری کشور

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلایل مختلفی، تدوین مقررات جدید کار، ضروری می‌نمود؛ از این رو از سال ۱۳۵۸ تلاش‌هایی برای تنظیم پیش‌نویس قانون کار آغاز شد و سرانجام در سال ۱۳۶۱ اولین پیش‌نویس قانون کار را وزیر وقت کار و امور اجتماعی منتشر کرد (ر.ک.

بینام، ۱۳۶۱/۹/۳۰: ۲ و ۱۸)

در این پیش‌نویس، به تغییرات روابط کار در عصر حاضر، هیچ توجهی نشده بود و برای تنظیم روابط کارگر و کارفرما، تنها قواعد حقوق خصوصی و ضوابط حاکم بر «کتاب الاجاره» مد نظر قرار گرفته بود. به همین خاطر، در پیش‌نویس یادشده، هیچ‌گونه مقررات الزامی در خصوص حداکثر ساعت کار، حداقل مزد، مرخصی استحقاقی کارگران، شرایط کار نوجوانان و زنان و... وجود نداشت و همه موارد مزبور به توافق کارگر و کارفرما وانهاده شده بود (ر.ک: بی‌نام، ۱۳۶۱/۱۰/۱: ۳ و ۱۴).

این پیش‌نویس در هیئت دولت به تصویب نرسید و بار دیگر گروهی مأمور تهیه پیش‌نویسی دیگر برای قانون کار شدند. این هیئت پس از یک سال بحث و بررسی، پیش‌نویس جدیدی تهیه کردند که در بهمن ماه ۱۳۶۲ در روزنامه‌ها منتشر شد (ر.ک: بی‌نام، ۱۳۶۲/۱۱/۲۶: ۱۷ - ۱۹). در پیش‌نویس دوم قانون کار، تفکر مبتنی بر حقوق خصوصی تا حد زیادی تعدیل شده بود و تدوین‌کنندگان این پیش‌نویس، برخلاف پیش‌نویس اول، به وضع مقررات الزامی در خصوص مواردی همچون بیمه و مرخصی کارگران، حداکثر ساعت کار، حداقل مزد و سایر مواردی که حقوق کارگران را در مقابل کارفرمایان تضمین می‌نمود، پرداخته بودند.

پیش‌نویس یادشده در اردیبهشت ۱۳۶۴ برای تصویب، تقدیم مجلس شورای اسلامی شد و پس از دو سال بررسی در کمیسیون‌های تخصصی مجلس، سرانجام در آبان ۱۳۶۶ به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید و برای اظهار نظر به شورای نگهبان فرستاده شد. اما شورای نگهبان ضمن ایراد اساسی به ماده نخست مصوبه مجلس - که در آن، کلیه کارفرمایان، کارگران، کارگاه‌ها، مؤسسات تولیدی، صنعتی، خدماتی و کشاورزی که به هر نحو از امکانات دولتی مثل ارز، انرژی، مواد اولیه و اعتبارات بانکی استفاده می‌کنند، مکلف به تبعیت از مقررات قانون کار شده بودند -، اکثر مواد این مصوبه را از آن جهت که برای کارفرمایان، تعهدات و الزاماتی خارج از قرارداد منعقدشده بین او و کارگر ایجاد می‌کنند، خلاف شرع دانسته، خواستار اصلاح آنها شد.

در همان ایامی که لایحه کار در شورای نگهبان بررسی می‌شد، وزیر وقت کار و امور اجتماعی، طی نامه‌ای از امام خمینی، استفسار کرد که: «آیا می‌توان برای واحدهایی که از امکانات و خدمات دولتی و عمومی... استفاده می‌نمایند... در ازای این استفاده، الزامی مقرر

نمود؟» و آن حضرت نیز پاسخ دادند که: «در هر دو صورت، چه گذشته و چه حال، دولت می‌تواند شروط الزامی مقرر نماید» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰ / ۴۳۰)؛ اما این اظهار نظر حضرت امام نتوانست تغییری در نظر شورای نگهبان به وجود آورد و حتی زمانی که حضرت امام در پاسخ به نامه دبیر وقت شورای نگهبان، بار دیگر بر نظر پیشین خود تأکید ورزیدند، در نظر شورای مزبور تغییری به وجود نیامد و این شورا همچنان بر رأی خود که مبتنی بر خصوصی بودن روابط کار و در نتیجه، عدم جواز مداخله دولت در این روابط بود، پافشاری کرد (مهرپور، ۱۳۷۱: ۲ / ۱۰۹۴).

پس از استفسار وزیر وقت کار از امام راحل علیه السلام و اظهار نظر شورای نگهبان در مورد مصوبه مجلس شورای اسلامی، بحث‌های بسیاری در جامعه در ارتباط با اختیارات دولت اسلامی مطرح شد و حتی دبیر وقت شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۲۶ با ارسال نامه‌ای به محضر امام، ابراز نگرانی کرد که دادن چنین اختیارات وسیعی به دولت باعث می‌شود که در نهایت، نظامات اسلام از مزارعه، اجاره، تجارت، عائله و سایر روابط عملاً در معرض تعویض و تغییر قرار گیرد (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰ / ۴۳۴ - ۴۳۵؛ مهرپور، ۱۳۷۴: ۵۶).

امام خمینی، در حاشیه نامه دبیر شورای نگهبان چنین مرقوم فرمودند: «دولت می‌تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می‌کنند با شروط اسلامی و حتی بدون شرط قیمت، مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است، ندارد (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰ / ۴۳۵).

این پاسخ امام نیز مورد تفسیر و برداشت‌های مختلف قرار گرفت که اظهار نظر صریح و مهم امام علیه السلام را در مورد اختیارات حکومت اسلامی در پی داشت.

رئیس جمهور وقت (مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای) در خطبه‌های نماز جمعه تهران در روز جمعه یازدهم دی ماه ۱۳۶۶ به این موضوع پرداختند و ضمن بحثی که در مورد فعالیت‌های اقتصادی و کنترل و نظارت دولت و حدود اختیارات دولت مطرح کردند، گفتند: «... [امام که فرمودند دولت می‌تواند شرط الزامی را بر دوش کارفرما بگذارد، این هر شرطی نیست؛ آن شرطی است که در چارچوب احکام پذیرفته شده اسلام است و نه فراتر از آن] (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۱۰/۱۲).

این اظهارات و نوع تفسیری که از فرموده حضرت امام صورت گرفت، بحث‌هایی را به دنبال داشت و گویا ریاست جمهوری نامه‌ای خدمت ایشان مرقوم داشتند و نظرشان را جویا شدند (مهرپور، ۱۳۷۴: ۵۸ - ۵۹). به هر حال، حضرت امام در تاریخ ۱۶/۱۰/۱۳۶۶ ضمن نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور در مورد اظهارات ایشان در خطبه نماز جمعه چنین مرقوم فرمودند: «[...] از بیانات جناب عالی در نماز جمعه این طور ظاهر می‌شود که شما حکومت را که به معنای ولایت مطلقه‌ای که از جانب خدا به نبی اکرم ﷺ واگذار شده و اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعی الهیه تقدم دارد، صحیح نمی‌دانید و تعبیر به آن که این جانب گفته‌ام حکومت در چارچوب احکام الهی دارای اختیار است، به کلی بر خلاف گفته‌های این جانب است. اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام ﷺ یک پدیده بی‌معنا و محتوا باشد» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰ / ۴۵۱ - ۴۵۲).

با نگارش این نامه حضرت امام و طرح اختیارات حاکم اسلامی از سوی ایشان، زوایای جدیدی در پیش روی مسئولان نظام، در زمینه چگونگی قانون‌گذاری در نظام اسلامی، گشوده شد؛ اما هم‌چنان اختلاف نظر میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در زمینه قوانینی همچون قانون کار به جای خود باقی بود و این اختلاف نظر، در عمل، نظام قانون‌گذاری کشور را با بن‌بست روبه‌رو می‌کرد. در این جا بود که مسئولان کشور در صدد چاره‌جویی برآمدند و در تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۶۶، با نگارش نامه‌ای خطاب به حضرت امام از ایشان کسب تکلیف کردند (ر.ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰ / ۴۶۳ - ۴۶۴).

حضرت امام در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۶۶ در پاسخ نامه یادشده، برای پایان دادن به اختلاف نظرهای مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، فرمان تشکیل «مجمع تشخیص مصلحت نظام» را صادر کردند (ر.ک: همان: ۲۰ / ۴۶۴ - ۴۶۵).

بدین ترتیب مجمع تشخیص مصلحت نظام در اواخر بهمن ۱۳۶۶ تشکیل شد. این مجمع در نخستین قدم، آیین‌نامه داخلی خود را تدوین نموده و آن را به تأیید حضرت امام رساند (اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۶۹: ۱ - ۳).

بر اساس این آیین‌نامه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، حق قانون‌گذاری ابتدایی برای خود به رسمیت نشناخته و خود را تنها برای رسیدگی به اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان صالح

دانسته بود؛ اما پس از آن که این مصوبه به استحضار حضرت امام خمینی رسید، ایشان صلاحیت مجمع را توسعه دادند و حق قانون‌گذاری ابتدایی را نیز برای مجمع به رسمیت شناختند.

براین اساس، مجمع تشخیص مصلحت نظام در نخستین دوره خود، هم در مواردی که شورای نگهبان مصوبه‌ای را مغایر شرع یا قانون اساسی اعلام می‌کرد و مجلس حاضر نبود طبق نظر شورای نگهبان مصوبه خود را اصلاح کند، وارد عمل می‌شد و تشخیص خود را اعلام می‌کرد و هم طبق اختیاری که از سوی حضرت امام به آن داده شده بود در برخی موارد، ابتدائاً مبادرت به تصویب قانون می‌نمود که مهم‌ترین آنها قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب آبان ۱۳۶۷ بود (مهرپور، ۱۳۷۴: ۶۳)؛ اما در آذر ماه همان سال، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نامه‌ای به حضرت امام نوشته و به کیفیت کار و محدوده اختیار مجمع تشخیص مصلحت نظام اعتراض کردند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱/۲۰۲).

پاسخی که حضرت امام در تاریخ ۷ آذر ۱۳۶۷ در ذیل این نامه مرقوم فرمودند، به این شرح است: «مطلبی که نوشته‌اید کاملاً درست است. این شاءالله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سال‌ها انجام گرفته است، در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام بازگردد. از تذکرات همه شما سپاس گزارم و به همه شما دعا می‌کنم» (همان: ۲۱/۲۰۳).

ایشان به دنبال این پاسخ، نامه‌ای در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۸ خطاب به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام نوشتند که در بخشی از آن به شورای نگهبان توصیه کردند که خودشان قبل از ایجاد بن‌بست در عرصه قانون‌گذاری، «مصلحت نظام را در نظر بگیرند تا اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد» (ر.ک: همان: ۲۱/۲۱۷ - ۲۱۸).

مجمع تشخیص مصلحت نظام صرفاً بر مبنای دستور رهبر انقلاب، حضرت امام خمینی تشکیل شد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی نداشت. مشروعیت و قانونی بودن تصمیمات آن هم صرفاً با توجه به اختیارات مقام ولایت فقیه که قانون اساسی آن را به رسمیت شناخته و اصل پنجاه و هفتم که قوای سه‌گانه را زیر نظر او قرار داده بود، قابل توجیه بود. ولی لازمه پایدار بودن این نهاد، تصریح به وجود آن در قانون اساسی بود؛ اما اشکال مغایرت

این نهاد با قانون اساسی جمهوری اسلامی هم‌چنان به جای خود باقی بود و لازم بود که در این زمینه نیز اقدامی صورت گیرد (مهرپور، ۱۳۷۴: ۶۴؛ نیز، ر. ک: هاشمی، ۱۳۷۵: ۶۴/۲). با توجه به این مطلب بود که حضرت امام در نامه‌ای که در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۴ خطاب به ریاست محترم جمهوری اسلامی، در زمینه لزوم «تتمیم قانون اساسی» و «رفع نقایص آن» نگاشتند، موضوع جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام را نیز مورد توجه قرار دادند (ر. ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱/۳۶۳ - ۳۶۴).

هیئت مورد نظر حضرت امام - که بعدها به «شورای بازنگری قانون اساسی» معروف شد - در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۷ تشکیل شد و در محدوده مشخص شده در فرمان رهبر انقلاب، به متمیم و رفع نقایص قانون اساسی اقدام کرد.

شورای یادشده در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۰، یعنی حدود یک ماه پس از ارتحال بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، به کار خود پایان داد و اصلاحات انجام شده از سوی این شورا در همه‌پرسی مورخ ۱۳۶۸/۵/۶ مورد تأیید نهایی مردم ایران قرار گرفت. از جمله اصلاحاتی که از سوی این شورا در قانون اساسی صورت گرفت، گنجاندن اصلی در مورد مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی بود که در آینده در مورد آن بیشتر سخن خواهیم گفت.

۲ - ۹. طرح موضوع ضرورت تحول در اجتهاد از سوی حضرت امام

چنان‌که مشاهده شد، دستگاه قانون‌گذاری نظام جمهوری اسلامی، در نخستین دهه از استقرار این نظام با افت و خیزهای فراوانی روبه‌رو بود که بسیاری از آن‌ها برخاسته از دیدگاه‌های موجود درباره فقاہت و اجتهاد برمی‌خاست.

فقه شیعه پس از قرن‌ها مہجوریت، متکفل اداره جامعه شده و سگان نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی را به دست گرفته بود، بی‌آن‌که فقہا و مجتہدان، تصویری دقیق از مبانی نظری تشکیل و اداره حکومت در عصر غیبت داشته باشند.

بسیاری از فقہا، فقہ را تنها بیان‌کننده وظایف و تکالیف فرد مکلف می‌دانستند و در مباحث فقہی، از وظایف و تکالیف حکومتی کمتر گفتگو می‌کردند.

نظام استنباط و اجتهاد نیز متناسب با همین تلقی از فقہ شکل گرفته بود و اصول فقہ هم تنها بیانگر موضوعات و مسائلی بود که به کار استنباط در فقہ فردی می‌آمد.

حضرت امام علیه السلام به عنوان نظریه پرداز حکومت اسلامی، در نخستین سال‌های تشکیل حکومت اسلامی، برای هماهنگ سازی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فقه موجود با نیازها و اقتضات اداره جامعه و کارآمدسازی این فقه، تلاش فراوانی کرد و همه توان خود را به کار برد تا شاید بتواند فقها و مجتهدان را متوجه بایسته‌های قانون گذاری و اداره حکومت در عصر حاضر کند که اوج آن را می توان در تذکر پدرانۀ ایشان به اعضای شورای نگهبان دید (ر.ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱/۲۱۸).

تفویض اختیار تشخیص ضرورت به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، استفاده از اختیارات حکومت اسلامی (ولایت مطلقه فقیه) برای حل پاره‌ای مسائل و مشکلات رو در روی نظام اسلامی و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را می توان از جمله تلاش‌هایی دانست که ایشان برای هماهنگ سازی فقه با مقتضیات زمان و نیازهای جامعه به کار برد. با این همه به نظر می رسد موضوع ضرورت توجه به «زمان و مکان» به عنوان «دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد» و توجه به «حکومت» به عنوان «فلسفه عملی تمامی فقه» که ایشان در واپسین ماه‌های عمر شریفشان در پیامی خطاب به «حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام، مدرسین گرام و طلاب عزیز و حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات»^۱ مطرح کردند، می تواند بیشترین نقش را در این زمینه داشته باشد.

حضرت امام، در این پیام که در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷ یعنی آغازین روزهای دومین دهه پیروزی انقلاب اسلامی و پس از یک دهه تلاش برای اجرای احکام و مقررات اسلامی در ایران، صادر شد، پس از بیان آنچه بر حوزه‌های علمیه و روحانیت از ابتدای آغاز نهضت اسلامی در پانزده خرداد ۱۳۴۲ تا استقرار نظام اسلامی و پس از آن، رفته است، به تحلیل روش و تحصیل و تحقیق در حوزه‌های علمیه پرداختند و ضمن اشاره به ضرورت توجه به دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد، به صراحت، اجتهاد مصطلح را برای اداره جامعه ناکافی دانستند و خواستار توجه حوزه‌ها و روحانیت به نیازهای جوامع بشری شدند (ر.ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱/۲۸۹ - ۲۹۲).

۲ - ۱۰. نهادینه شدن مجمع تشخیص مصلحت نظام

چنان که گفته شد مجمع تشخیص مصلحت در ابتدای امر صرفاً بر مبنای دستور رهبر فقید

۱. این پیام بعدها به «منشور روحانیت» معروف شد.

انقلاب اسلامی ایجاد شده بود و در قانون اساسی جایگاهی نداشت. به همین دلیل، حضرت امام، در فرمان بازنگری قانون اساسی که در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۴ صادر شد موضوع «مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد» را در ردیف ششم مسائل مورد بحث شورای بازنگری قانون اساسی قرار دادند. به هنگام بررسی این موضوع در شورای یادشده، دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی درباره مبنای نظری مجمع تشخیص مصلحت و اصل وجود آن مطرح شد (ر.ک: اداره تبلیغات، انتشارات و آموزش، ۱۳۶۹: ۸۳۷/۲ - ۸۵۳؛ هاشمی، ۱۳۷۵: ۱۳۷۵ - ۴۶۸/۲ - ۶۴۹)؛ اما شورای بازنگری قانون اساسی با تصویب اصل یک‌صد و دوازدهم که به وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام، اختصاص داشت، به اختلاف نظرها در مورد این مجمع پایان داد.

در اصلاحیه قانون اساسی، جایگاه برجسته‌ای برای مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظر گرفته شده و وظایف و اختیارات گسترده‌ای در زمینه حل مسائل و مشکلاتی که نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف، با آنها روبه‌رو می‌شود. به این مجمع سپرده شده است؛ وظایف و اختیاراتی که انجام درست و دقیق آنها می‌تواند موجب ایجاد نظام قانون‌گذاری پویا و در عین حال، منطبق با موازین اسلامی در کشور شود.

به دنبال اصلاح قانون اساسی و نهادینه شدن مجمع تشخیص مصلحت در نظام جمهوری اسلامی، حضرت آیه الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب، در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۱۲، طی نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور وقت، اعضای مجمع را تعیین و دستور تشکیل آن را صادر کردند (ر.ک: اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۶۹: ۱۱ و ۱۲).

گفتنی است که یک سال پس از تشکیل دوره جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام، در ۲۹ آبان ۱۳۶۹، قانون کار که اختلاف‌نظرهای مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان بر سر تصویب آن در سال ۱۳۶۶ موجب تشکیل نخستین دوره مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمان حضرت امام علیه السلام شده بود، پس از بحث و بررسی فراوان و با اصلاح و متمیم بسیاری از مواد آن، در این مجمع به تصویب رسید و برای اجرا ابلاغ شد (ر.ک: وزارت دادگستری، ۱۳۷۰: ۷۳۱ - ۷۷۵).

۲ - ۱۱. تدوین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی

مهم‌ترین تحولی که در دوره جدید تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش آمد، تدوین

سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی، از سوی این مجمع بود. چنان‌که پیش از این نیز گفته شد، در بند یک اصل یک‌صد و دهم اصلاحی قانون اساسی جمهوری اسلامی، «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» به‌عنوان یکی از «وظایف و اختیارات رهبر» برشمرده شده بود؛ اما این بند با وجود اهمیت فراوان آن و نقش مهمی که می‌توانست در نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی داشته باشد، تا اوایل دههٔ هفتاد مورد توجه جدی قرار نگرفت (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۱).

تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی از سوی مقام رهبری از آن رو اهمیت داشت که می‌توانست جایگاه فقه و آموزه‌های اسلامی را در نظام قانون‌گذاری کشور از اعلام نظر در مورد انطباق یا عدم انطباق قوانین با موازین اسلامی ارتقا بخشد و ضمن فعال‌تر کردن نقش فقه در عرصهٔ ادارهٔ جامعه، موجب اسلامی شدن بنیادین مناسبات مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم در کشور شود؛ البته مشروط بر آن‌که: ۱. این سیاست‌های کلی صرفاً بر مبنای نگرش‌های فن‌سالارانه و بر اساس داده‌های کارشناسان و متخصصان اجتماعی - اقتصادی تنظیم نشده و در آن‌ها اهداف کلان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نظام اسلامی لحاظ شده باشد؛ ۲. در قانون‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان، این سیاست‌های کلی مورد توجه قرار گیرد.

نخستین دسته از سیاست‌های کلی نظام، «سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی» بود که پس از تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام، در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۰ از سوی مقام معظم رهبری برای اجرا به سران قوای سه‌گانه ابلاغ شد (ر.ک: نامه به سران قوای سه‌گانه و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، ۱۳۷۹/۱۱/۲۰).

از آن تاریخ به بعد سیاست‌های کلی نظام در زمینه‌های مختلف تدوین و ابلاغ شده است. شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، دومین دسته از این سیاست‌ها بود که در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۷ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد و در پی آن نیز سیاست‌های کلی نظام در زمینه‌های دیگر، تدوین و توسط ایشان ابلاغ شد.^۱

۱. تا سال ۱۴۰۱ سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی در ۵۴ موضوع مختلف به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده که بیشتر آنها از سوی مقام معظم رهبری برای اجرا به دستگاه‌های مسئول ابلاغ شده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام:

<http://maslahat.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=3&pageid=402>

۲ - ۱۲. تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران

به دنبال تدوین و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، گام بلند دیگری در زمینه قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی در نظام جمهوری اسلامی ایران برداشته شد و آن تدوین «سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران» یا «چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی» بود.

مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۸۲ در جهت تحقق بند یک اصل یک‌صد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی را به ریاست مجمع تشخیص مصلحت ابلاغ کردند.^۱ ابلاغ این سند، از آن‌جاکه بیانگر دیدگاه‌های مهم‌ترین رکن اسلامیت نظام یعنی مقام ولایت فقیه است، می‌تواند بر جهت‌گیری‌های کلان دستگاه قانون‌گذاری کشور تأثیر گذاشته و آن را به سمت تحقق هر چه بیشتر اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی سوق دهد.

به دنبال ابلاغ سند نهایی چشم‌انداز بیست ساله، سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه نیز در تاریخ ۲۰/۹/۱۳۸۲ از سوی مقام معظم رهبری به ریاست جمهوری اسلامی ابلاغ شد.^۲

نتیجه‌گیری

در این مقاله با هدف تبیین جایگاه و نقش حوزه‌های علمیه شیعه و به‌ویژه حوزه علمیه قم در قانون‌گذاری مبتنی بر فقه، به بازخوانی تجربه تقنین فقه در دو مقطع مهم از تاریخ کشورمان، یعنی دوران مشروطه و دوران انقلاب اسلامی پرداختیم. بازخوانی این تجربه، اموری چند را بر ما روشن می‌سازد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. تلاش گسترده فقهای شیعه برای تقنین فقه در ادوار مختلف تاریخ ایران به‌ویژه در دوران مشروطیت و پس از آن که اوج آن را می‌توان در تدوین قانون مدنی در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ شمسی دید.

۱. ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای، به نشانی:

http://farsi.khamenei.ir/news_content?id=16995

۲. ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام:

<http://maslahat.ir/index.jsp?siteid=3&fkeyid=&siteid=3&pageid=531>

۲. باور و اعتقاد راسخ بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان فقیه عالی‌قدر برخاسته از حوزه علمیّه قم، به امکان‌پذیر بودن تشکیل حکومت و اداره جامعه بر اساس موازین اسلامی و توانمندی فقه و دیگر آموزه‌های دینی برای پاسخگویی به نیازهای متنوع یک نظام حکومتی.

۳. تلاش خستگی‌ناپذیر رهبر فقید انقلاب اسلامی برای حل مسائل و مشکلاتی که هر از چند گاه در مسیر سامان دادن مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه بر اساس موازین اسلامی، رخ می‌نمود.

۴. حرکت تکاملی و رو به جلوی نظام قانون‌گذاری کشور در جهت بهره‌برداری هر چه بیشتر از توانمندی‌های فقه اسلامی برای پاسخگویی مناسب‌تر به نیازهای روز دستگاه‌های اجرایی و قضایی.

البته در این راه، مسائل، مشکلات، آسیب‌ها و چالش‌های فراوانی نیز وجود داشته است که در جای خود به بررسی آن‌ها پرداخته شده است (ر.ک: شفیعی سروستانی، ۱۳۹۵: ۱۹۳ - ۲۴۰).



کتاب نامه

۱. «فهرست سیاست‌های کلی نظام»، پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام:
<http://maslahat.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=3&pageid=402>
۲. ابن تیمیة (۱۹۷۶ م)، الحسبة و وظيفة الحكومة الإسلامية، قاهره: مطبوعات الشعب.
۳. ابویعلی، محمد بن الحسین (۱۴۰۶ ق)، الأحكام السلطانية، قم: مكتب الاعلام الاسلامی، دوم.
۴. احمد، علی (۱۴۱۴ ق)، القضاء فی المغرب والأندلس خلال العصور الوسطی، دمشق: دار حسان للطباعة والنشر و التوزيع، أول.
۵. اداره تبلیغات، انتشارات و آموزش (۱۳۶۹)، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگري قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل امور فرهنگي و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، أول.
۶. اداره کل قوانین و مقررات کشور (۱۳۶۹ ش)، مجموعه قوانین و مقررات مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران: اداره کل قوانین و مقررات کشور، أول.
۷. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۴ ش)، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، سوم.
۸. _____ (۱۳۷۹ ش)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، أول.
۹. الأبیاری، عبدالرزاق علی (۱۳۹۷ ق)، انتظام القضائي فی بغداد فی العصر العباسی ۱۴۵ - ۶۵۶ ق، نجف: مطبعة النعمان.
۱۰. بی‌نام (۱۳۶۱/۱۰/۱)، «توضیحات وزیر کار در مورد طرح پیش نویس قانون کار»، روزنامه کیهان، شماره ۱۱۷۵۴، صفحه ۳ و ۱۴.
۱۱. بی‌نام (۱۳۴۶)، قانون اساسی و متمم آن، تهران: انتشارات صفی علی شاه.
۱۲. بینام (۱۳۶۱/۹/۳۰)، «طرح پیش نویس قانون کار»، روزنامه کیهان، شماره ۱۱۷۵۳، صفحه ۲ و ۱۸.
۱۳. بی‌نام، (۱۳۶۲/۱۱/۲۶)، «متن کامل پیش نویس قانون کار»، روزنامه کیهان، شماره ۱۲۰۹۰، صفحه ۱۷ - ۱۹.



۱۴. پاشا صالح، علی (۱۳۴۸ ش)، سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز)، تهران: دانشگاه تهران، اول.
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چهارم.
۱۶. حجاریان، سعید (۱۳۸۰)، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری (عرفی شدن دین در سپهر سیاست)، به کوشش: ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو، اول.
۱۷. الزحیلی، محمد (۱۴۱۵ ق)، تاریخ القضاء الإسلامي، بیروت: دارالفکر المعاصر و دمشق: دارالفکر، اول.
۱۸. زرنگ، محمد (۱۳۸۱)، تحول نظام قضایی ایران (۲ ج)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اول.
۱۹. ساکت، محمد حسین (۱۳۶۵)، نهاد دادرسی در اسلام، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۰. سائلی کرده‌ده، مجید (۱۳۸۴)، شورای انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اول.
۲۱. «سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آية الله العظمی خامنه‌ای:
http://farsi.khamenei.ir/news_content?id=16995
۲۲. «سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه»، پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام:
<http://maslahat.ir/index.jsp?siteid=3&fkeyid=&siteid=3&pageid=531>
۲۳. شبارو، عصام محمد (بی‌تا)، القضاء و القضاة فی الإسلام والعصر العباسی، کویت: جامعة الكويت.
۲۴. شفیعی سروسستانی، ابراهیم (۱۳۹۵)، فقه و قانون گذاری؛ آسیب‌شناسی قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی، قم: مؤسسه فرهنگی طه، اول.
۲۵. الشبیری، عبدالرحمن بن نصر (بی‌تا)، نهاییة الرتبة فی طلب الحسبة، بیروت: دار الثقافة.
۲۶. القرشی، محمد بن محمد بن احمد ابن الاخوة (۱۹۷۶ م)، معالم القرية فی أحكام الحسبة، تحقیق: محمد محمود شعبان و صدیق احمد عیسی المطیعی، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، کلیات حقوق، نظریه عمومی، تهران: شرکت سهامی انتشار، اول.

۲۸. الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (بی‌تا)، الأحكام السلطانية، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۹. متین دفتری، احمد (۱۳۳۷)، سیر قانون‌گذاری در ایران (سخنرانی)، تهران: باشگاه مهرگان.
۳۰. مهرپور، حسین (۱۳۷۱)، مجموعه نظریات شورای نگهبان، تهران: کیهان، اول.
۳۱. _____ (۱۳۷۴)، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، تهران: اطلاعات، دوم.
۳۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۸)، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی (۲۲ج)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، اول.
۳۳. نامه به سران قوای سه‌گانه و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، ۱۳۷۹/۱۱/۲۰، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای:
http://farsi.khamenei.ir/news_content?id=3055
۳۴. النباهی المالقی، ابوالحسن بن عبدالله (۱۴۰۰ ق)، تاریخ قضاة الأندلس، تحقیق: لجنة إحياء التراث العربی فی دار الآفاق الجديدة، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
۳۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر (زمستان ۱۳۸۱)، «نقادی نظروزی‌ها درباره مجمع تشخیص مصلحت (مصاحبه)»، راهبرد (نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک)، شماره ۲۶.
۳۶. هاشمی، سید محمد (۱۳۷۵)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی، قم: مجتمع آموزش عالی قم، دوم.
۳۷. وزارت دادگستری (۱۳۷۰)، مجموعه قوانین سال ۱۳۶۹، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

پرتال جامع علوم انسانی